

حضرت مبارک پیشای ستم ایران، در مهر بگرم آفتاب اسلامی ملت ایران حضرت امام روح اله المروئی الحینی  
روز بخت : عالم ربانی مجاهد عظیم الشان اسلامی حضرت آقای طالقانی  
و دولت : قیام آقای محمد مصدق مبارک بار ملک خورشید بگرم و ستم ایران

با عرض بسم و تقدیم احترام ... داد اول تمام تارن اسامی قبلی ایران این شرح است : « دین سنی ایران اسلام و طریقه حقه حضرت ائمه شیخیه  
است باید پادشاه ایران دارا در ترویج این دین با شد » و چون تارن اسامی جدید در شرف تدریس و تصویب است ، لازم است سبک الهی و  
وظیفه دینی ترویج عالی را عبادت نبوی معطوف دارم .  
شیخیه معتقد است : دین حقه ناهیه فائده الهیه محموی یعنی ائمه شیخیه ، همان اسلام واقعی است ، و تنها این دین منطبق است با طریقه  
حقه اسلام که میراث اهل بیت پیامبر است . و از زمان پیامبر و اهل بیت معظّم له سر در ایمان و عمل شیعیان بوده است .  
اینک مقدمه لازم است این ادعا را از نظر قرآن کریم بطور کلافاً فشرده مورد بررسی قرار دهم :  
عنوان رسمی و آسمانی طریقه حقه الهی « صراط مستقیم » منحصر و مطلقاً « دین » است و نام رسمی این آسمانی  
از آدم تا قیامت منحصر و مطلقاً در اسلام است . ان الدین عند الله الاسلام - ان غیر دین الله یغیور ؟ ! و له اسلام من فی السموات والارض  
- و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن نقبل منه و هو فی الاخرة من الناس من (ال عمران) . و من احسن دیناً من اسلام و وجهه لله و هر من و اتباع ملة ابراهیم حنیفاً ؟  
(النساء) الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً (المائدة) ملة ابراهیم هد سبکیم المسلمین من قبل ... (الحج) و انتم  
دین خالص اسلام نبی پیرایه و نبی غلّ نش . الا الذین تابوا و اصلوا و اعصموا بالله و اخلصوا دینهم لله فادانک مع المرین (النساء) و ادعه مخلصین له  
الدین (الاعراف) فاعبد الله مخلصاً له الدین ، الا الله الدین الخالص - قل انی امرت ان اعبد الله مخلصاً له الدین - قل الله اعبد مخلصاً له دینی (الزمر)  
فادع الله مخلصین له الدین و لو کره الکافرون - فادعه مخلصین له الدین (المؤمن) و ما امرنا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین حنیفاً ... و ذلك دین  
القیمة (البیتة) و نه مذهب متفرقه ، و نه نامهاییکه بدون توحید آسمانی یا نمانا نگرداری کرده اند ، و عمراً اختلافات و اختراعاتی در جهات با اسلام  
خالص و باینکه یگرددند ، و هر یک نیز فقط خود را حسی و در راه حق می انگارند ، امثال : یهودی سنی زرتشتی سنی شیعی و هابی صوفی  
حنبلی اسماعیلی مالکی شیخی زیدی شافعی و الح و تعالیت الیهود لیت النصارى علی شیخی ! و تعالیت النصارى لیت الیهود علی شیخی ! و هم تیلون  
الکتاب ! و کذاک قال الذین لا یعلمون مثل قولهم ! فان الله یحکم بینهم یم القیمة فیما کانوا فیه یختلفون - و قالوا انی بدخل الجنة ایا من کان هوداً  
او نصاری ! و تکلم اصابتهم قل هانرا برهانکم ان کنتم صادقیین - و ان رضی عنک الیهود و لا النصارى حتی یتبع ملتکم ! قل ان هدی الله هرا الیهدی -  
و قالوا کونوا هوداً او نصاری یتقوا و قل بل ملة ابراهیم حنیفاً و ما کان من التورکین - ام تقولون ان ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط  
کانوا هوداً او نصاری ؟ (البقره) ما کان ابراهیم یهودیاً و لا نصرانیاً و لکن کان حنیفاً مسلماً و ما کان من التورکین (ال عمران) من الذین هادوا یحرفون  
الکلم عن مواضعه (النساء) و من الذین قالوا انما نصاری ... و تعالیت الیهود و النصارى فمن ابناء الله و اهلباه ... (المائدة)  
و عدم پیامبران خود را مسلمان خوانند و بملانی هدایت و سر کرده اند : نوح : و امرت ان اکون من المسلمین (یونس) - ابراهیم : و ربنا و اهلنا  
مسلمین لک و من ذریتنا ائمة مسلمة لک - ... اذ قال له رب یت اسم قال اسلمت لرب العالمین - ... فلا تدن الا و انتم مسلمون - اسرائیل : و انبی له  
مسلمون (البقره) - یوسف : و توفی مسلماً و الحق بالصالحین (یوسف) - موسی : ... ان کنتم مسلمین (یونس) - محاریرین : ... و اشهد باناسلم  
(ال عمران - مائة) - محمد : قل اصنا بالله و ما انزل ... و من له مسلمت (ال عمران) - قل انی امرت ان اکون اول من اسلم - قل انی هدنی ربی  
الی صراط مستقیم ... و بذلك امرت و انا اول المسلمین (الانعام) - و امرت ان اکون من المسلمین (العلق - الزمر) و امرت ان اسلم لرب العالمین  
(المؤمن)  
- دین بنام خدا و کلاً صادره از تسالیم را حکام خدا تسلیم محض در برابر خدا است ، ولی مذاهب بنام پیشدادان مذهب و ناشی از استنباطات و  
مقتضیات خود آنان و تسلیم محض در برابر تلقینات خود آنان است که بنام دین بین پیروان غافل خود ترویج میکنند ، و مبرجات اختلاف و تفرقه  
بین دینداران را فراهم ، و هر یک نیز خود را حق بجانب ، و دیگران را منحرف و گمراه میخوانند فقط الامم بهم بینهم زوراً کل حزب بما الیهم فرعون -  
بین الذین فرقا دینهم و کانوا شیعیاً کل حزب بما الیهم فرعون (روم) - هیچیک از مذاهب در شگاه الهی و کتاب الهی رسمیت و مقبولیت ندارد ،  
و طبیعی است که عموماً در کم و بیش از حقیقت دین منحرف و معطوف باشند ، زیرا این مذهب سازینا و فرقه تراشیدها و دسته بندیها در دین اهورا  
ناشی از بیغنی نفاق حد جاهلین دنیا دوستی ، و ایجاد تفرقه و نفاق و تشتت و اختلاف بین دینداران ، و انشعاب در دین الهی ،



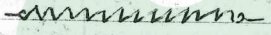
این یک اصل مسلم و بدیهی است : هیچ مسلمان با ایمان با توائبی هرگز حاضر نخواهد بود مطلقاً و تماماً اصلی یا فرعی ازین را تحریف یا کتمان بخرد  
 بنام بزرگان دین جعل ، دروغ و افتزائی با نام آنان نشر ، آیه ای از قرآن را بنام آنان از وضع حقیقت خود تحریف ، ملالی از شریعت اسلامی را اهرام  
 حرام یا محال ، واجب را متروک یا مفسوخ ، بدعتی را ترویج نماید ، غیر از اینکه ترکین و دروغین این اعمال خائنانانه ضد اسلامی و مجال اصلی هرگونه آگاه  
 و منقربیات و ابراعات ، ولود لباس بزرگترین روحانی رحمت و در صرح و قبحه و عالم و پیشوا هم طمس و جلوه گر شود . بی گفتگو کافر با سلام و دشمن  
 کینه قذ اسلام و مسلمین بوده اند ، و هیچگونه تردید و لگو لگویی در این حقیقت امکان پذیر نیست . در مورد مروءین و سلفین و تاسعین بعدیاً  
 مذکور در دوران های بعد از تاسیس مذاهب در تمامی ارضه و مملکت ، حداقل اینست که برخی از آنان دوستان نادانی بوده اند که بجهت و خطایق  
 و معارف قرآن و اسلام کلاً جاهل و غافل بوده ، و سخط و دنیا دوستی و حب پول و مقام ، هرگز و نیز روشی پیش گرفته و جاهلان آلت دست دشمنان  
 اسلام و وسیله گراهی فریب خوردگان عوام مذهب قرار گرفته اند . مجال است یک مسلم بنی آگاه از روی علم و بعد دروغ و افتزائی بدین فساد  
 رسول را تبلیغ ترویج و موجب گراهی مسلمین گردد ، و مگر یک دشمن بزرگ و با کفر اهل یا خارجی ، و یا یک روحانی نای و نیز روش جاهل تمام عیار .  
 گر اینک ابناء جعلی و ایدیه های ضد فیکری که همیشه در تمامی مناطق اسلام نشر و ترویج میشد ، ولی ایران که تا حدی در درازن قدرت و خلافت بود  
 بود ، سطحین ترین و مسامحترین منظم ای بود برای فعالیت های خصمانه و سیاسیابی خائنانانه دشمنان . به ویژه از این لحاظ که قوم ایرانی مورد تم و  
 تبعیض خلفای فاسد امری و عباسی قرار گرفته بودند ، از لحاظ تعصب طای و با تحریک احساسات نژادی و برای نیز پیش تطنینات آنان آگاهی بیشتری  
 میداشتند ، و بالخصوص که دشمن نای شاید برکنی های خود را بنام اهل بیت و با پیش با اصطلاح محبت اهل بیت و طرفداری از خاندان علی ، و  
 محکوم کردن خلافت خلفا پیشاننده ، و اهداف ضد اسلامی خود را بنام امان او ادعا می کرد پیش ایرانیان مجربیت داشته جلوه بود . و بدین  
 که چگونه تردیدی مغرور و مخزای ایدیه ای و عملی تمامی فعالیت های داخلی و خارجی بر بر طرده قرن ، هدف سیاسی ضد اسلامی داشته است . پس  
 دوران حکمت آل بویه در قرن چهار فرصتی بود برای ترویج علمی افکار تصوف و غلویات و تحریفات ، و کلام آل بویه با اینکه از علویان  
 طرفداری میکردند ، و با دعوی شیعیه و شی راه نیانداختند ، و با اینکه جلیقه عباسی حیره شدند . علم خیم خلافت مرکزی را محترم داشتند . پس از  
 آل بویه ( غیر از حکومت صفیانی هفت امامی فاطمیان در شمال آفریقا از قرن سوم و در سگاه تدریسی من صنایع و ایران از قرن پنجم ) تا اوایل  
 قرن دهم هیچیک از سلاطین بعدی ایران از تصوف و تشیع جانبداری نکردند ، بلکه با دیگر اقوام مسلمین همگام بودند ، غیر از اینکه طرفداری از علویان  
 در مذهب شافعی ، و غلویات و فرافات بین در اویش و صفیانی رواج داشت ، و با توجه با اینکه طرفداری از خاندان علی هرگز مقصود مخالفت و نا  
 سزاگویی خلفای ثلاثه و سایر مسلمانان ، و یا پیروی از مذهبی خاص نبود . و در اواسط قرن هفتم هلاک و تحریک صفیانی ایران خلافت  
 با ضد سالی بنیاد تمام با قتل عام وسیع مسلمین بغداد برانداخت ، و سخط و انیک با قتل خلیفه بلا نازل نشود ، بدست خاندان نصیر او را در بند  
 پیچیده و زجر کش کردند . نیم قرن بعد عثمان در ترکیه خلافت هفتصد ساله عثمانی را جاگیر کرد . خلافت عباسی نمود . و یک قرن نیم بعد  
 قسطنطنیه پس از هشت قرن <sup>ستاد</sup> در برابر قوای اسلام بدست سلطان عثمانی فتح شد . و نیم قرن بعد یعنی اوایل قرن دهم پاپ بدست  
 شاه اسماعیل انتقام فتح قسطنطنیه را از مسلمین گرفت ، و بدست او از پشت با سلام هجرت ، و بدون اینکه نیازی فرج کند با سر بازی بجهت  
 جنگ فرستد ، و در قرن تام شاهان صغری را به جنگ و کشتار علیه دولت عثمانی و سایر اقوام مسلمان های ایران تحریک ، و شد بدترین و  
 کاری ترین ضربت را با اسلام و مسلمین و ایران و ایرانی در در ، و ایران را بصورت و زری محکم در داخل اسلام علیه اسلام و مسلمین در آورد .  
 از این پس وضع کلی عوض شد ، و با ظهور صفویه در ایران فاجعای در عالم اسلام رخ داد بسی فحیح تر و در کله تر و زیانبار تر از حمله مغول .  
 شاه اسماعیل مرتد صفوی و با دکلیم و با غمخوار و در کار کلیه زیر روشی پاپ اعظم ، مذهب سیاسی بدیسی نام تشیع یا مذهب صفوی  
 ظاهرآ با عمران در زمین مذهب اهل بیت و با لحناً مذهب ضد سده می کردیم یهودیت و مسیحیت و بدائیت ، و نظیر بشیر و کشتار صدها هزار مسلمان  
 ایران و ترک ، و بمنظور حضرت با جماع اسده می ایرانیان تحمیل نمود ، دستور داد در سایر و معابر علناً سخط و اهل سنت ناسزا گویند و تهمت  
 بزنند ، و عبارت اشهدان علیاً ولی الله را با زبان فامه میفرمایند ، و سخاها را کافر و ضد عالم و دشمن اسلام معرفی کنند . اعتقاد بی  
 غیر از اسماعیل دم که کسی بهیده آید تا با اهل سنت تمام ایجاد کند (۱) همین خط مشی را با شدت دنبال کردند . اینان در دینت سال با اقوام  
 مسلمان ترک و اوزبک و افغان جنگیدند ، و تا ترانته دولت عثمانی را که میرفت سراسر اروپا را نیز پررجم اسلام در آورد ، تصنیف کردند  
 و قوم ایرانی را بصورت دشمنی در داخل اسلام علیه اسلام و مسلمانان در آورده و نصف آرائی علیه برادران خود وارد کردند ، و ایران را

(۱) صفوی و پاپ و دولت مسیحی اروپا و سماء دولت عثمانی را دشمن مشترک نمود و میخواستند را



رسمی ایجابی و اعتقادی و عملی دین لفظاً در این مذهب کفایت شده ، ولی در عمل محتوای حقیقی هر آنجا طلب و سخن تغییر و تبدیل گشته ، و هیچ عقیده و عمل و فرضیه ای در این مذهب سالم نمانده ، و حقیقت و اصالت خود را حفظ نکرده است . سعی دشمن بزرگ بر این بوده که با فساد در این مذهب و عمل گروندگان مذهب ، هیچگونه توافقی و تطابق و تفاهتی بین طرفین باقی نماند ، مثلاً این دستور العمل کلی در تمام معارف مذهب : « قدر ما خالف العباد فان الرزق فی هلاکهم ! » ، سخنی با همت هدف گیری دشمن را بر ملا میسازد ، باین خصوص که دشمن با عبارات تمام سعی کرده بود که راههای حل اختلافات و رفع سوء تفاهات و حصول اخوت و مودت و وحدت فیما بین برای همیشه مسدود و منتهی باشد ، و سخنی هم بمقتضای خود رسیده بود !

من باب مثال اصولی بعد از دین و اصول دیگری بعد از آن اصول مذهب طرح کردند که هر دو غلط و ضد قرآن است ، و عنوان اصول مذهب خود اعتراف می کنند که بنیانه مذهب سوا و متمایز از دین است !  
 و از اینست که شیعه بین مسلمین دیگر به رافضی و مشرک و مرتد و منحرف و بدعتگذار و ضد اسلام معروف گشت و سخنی هم ، و مورد کینه و نفرت آنان قرار گرفت ، و اقلیت های شیعی نیز در بعضی کشورها از جمله عراق و لبنان و سوریه و هند و پاکستان و غیره سب و تحقیر مذهب من را آورده شان همواره با تحقیر و توهین و ایذاء و ذلت و کشتار و صواب و بیکر مواجبه هستند ، باید زجر یکشنبه و عمری موجب مذهب اسلام تا ما را بخورند و خود را مسلمان واقعی و اهل بهشت پندارند و اینجا است که خسر الدنیا و الاخرة ذلك هو الخسران المبین !  
 آفرین و جا معتبرین بر نامه بریزی مذهب توسط ملا باقر مجلسی ( شیخ الاسلام - ملا باشی صفویه ) انجام گرفت ، و مذهب فعلی بی گفتگو مذهب صفویه مجلسی است و هیچ ربطی بقرآن و اسلام و محمد علی و اولاد علی ندارد ، و روح آنان از این مذهب بکلی بری و بیزار است .  
 خلاصه محتوای باطنی این مذهب ، غلو و مشرک و انحراف و بدعت ، فساد عقیده و عمل و تراکم فساد و معصیت ، و مصالحتی و معاملاتی و تصنیف هر نوع گناه و بدبراندانه با عهد قطره گیر با ضمای پنداری مذهب و زندقه بهشت پنداری مذهب ، و تحواری ظاهری آن فاجعه آیز تیری فتنه و تکالیف در عالم اسلام و بزرگترین ضربت به وحدت و اخوت و قدرت و عزت و شوکت مسلمین . . . . .



من صمد فوق و پادشاه کل استخیرا که به پیروی مطلق از قرآن درباره مذهب تشیع گفتنی است ، طی صد ها هزارها صفحه در مدت سال گذشته بطور شرح و مستدل ، و با اکتفا و آیات حکمت قرآن و دلائل و شواهد و اسناد غیر قابل انکار و مسلمات تاریخی و عقلی و عملی و منطقی و عینی و بگویی از ستره لاین و در برابران و روحانیان محترم شیعه رقم ، مستقیماً یا وسیله زمینندگان و فاضلان روحانیت ، معروض و مذکور داشته ام ، که روزی هم آنها نزد خودم (دالیه نزد ایشان) باقی است . و اول گریا عکس العمل مخاطبان چنین بوده است : و قالوا اولادنا فی الکتة معاندتونا الیه و فی اذانتنا و قور و من بیننا و بینک حجاب فاعمل اننا عاملون ! بدیهی است خدا و کتاب خدا از ایمان و کفر عالمیان بی نیاز است و قال موسی ان تکفروا انتم و من فی الارض فان الله لغنی عنکم و من جاهد فانما جاهد لنفسه ان الله لغنی عن العالمین ، و من هم برای تذکر و یاد آمدی صفاتی دین از کسی اجرو مزی نیخو استم که ریغم دارند ، کاسبی بود که پشت ترا زومی نشستم ، کتب میگردم و در لحظات فراغت مینویشتم ، و گراهی دیگری هم مانع هدایت من نبود یا ایها الذین امنوا علیکم انفسکم لا یقترکم من ضل اذا هدیتم الی الله سر یعمل جمیعاً فینبئکم بها کتم تعملون ، غیر از اینکه در برابر دین و قرآن تکلیف واجب داشته ، و اجبی عینی و تکلفاتی ، میگفتیم بیا شید دنیا دوستی را کنار بید ، از خدا بترسید و پیش از این سواره دین خدا و هدایت خلق خدا نشدید ، مردم غافل ما که این مذهب را بنام دین اسلام از شما پذیرفته اند از این انحراف سجات دهید و اسلام سهل و ساده را با آنان تعلیم دهید ، همگام به متن خالص قرآن جنگ بزنید ، کتاب الهی را تحریف و از خطای یهود تقلید نکنید ، و این اختلاف و دشمنی دین و دنیا بر براده را از میان مسلمین براندازید ، و بین عموم مسلمین برادری و برابری و همرو الفت ایجاد کنید ، و پیش از این اکت رکت چشم و گوش بسته مذهب سازان و تفرقه اندازان قرار بگیرید ، و قومی را در جهل و غفلت و انحراف باقی نگذارید . من نصف محرم شیعه بنیم و نصف آخر دنا در تحقیق و مطالعه مستقیماً در قرآن مسلمان ، و غیر از قرآن با هیچ فردی و نوی منبع و کتبی حزب و جماعتی سنی و آثار سنی مطلقاً رابطه ای نداشته ام ، و هر چه نوشته ام و میفریم مطلقاً و خالصاً ترجمان قرآن است ، اما روحانیت غیر از عجز و اهیانا تا سسطه یا سخنی با آن نداشته و سخاود داشت ، مگر اینکه مرا جاهل و مغرض و افراطی و سببش و هوچی و اختلاف افکن و دشمن اهل بیت و دشمن شیعه و سنی و وهابی و ناصبی ... میخواند (ماذ اقراءت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یدعون بالافرة حیا یا مستدراً ، و جعلنا علی قلوبهم اکتة ان یفقهوه و فی اذانهم و قراً ، و اذا ذکرک ربک فی القرآن و عدده و لو اعلی ادا با هم فندراً ، فمن اعلم بما یستعملون به ، اذ یستعملون الیک و اذ هم یجی اذ یقول النطق لمدن ان یتبعون الارجلاً مسخرراً ! انظر کیف ضلوا الکر الاملال ؟ ! فضلوا افلا یستطیعون سبیلنا !)

حکومت فارس گذشته - حکومت پست ترین دردل ترین فرد تاریخ - فردی دون و بیعرضه که فقط با خود فرشی و وطن فرشی و هم وطن فرشی ، و با نوکری  
 اجانب قدرت اجانب باین ملت چیره شد - اجازه نمیداد نوشتجات من در معرفی این مذهب ضد اسلامی ، و آشکارا سخن نقش دشمنان  
 در تنظیم و تثبیت آن چاپ و نشر شود ، اما هم اینکه : اگر بالفرض حکومت هم اجازه میداد ، روحانیت شیعه که مخالف مردم اول آن و مخالف  
 آشکار شدن حقایق قرآن و اسلام و ماهیت مذهب بود ، از انتشار آنها ممانعت میکرد - در گذشته مکرر به مجله « مکتب تشیع » که با عنوان  
 کاذبانه « الظالمات » ( مکتب اسلام ) من اظلم من افتری علی الله که با لفضل الناس بنیر علم ؟ ان الله لا یهدی التویم الظالمین - ومن اظلم من افتری  
 علی الله الذذب وهو یدعی الی الاسلام ؟ والله لا یهدی التویم الظالمین درقم هتشر میشود چشمنما کردم : که اگر شما راست میگویی ، اگر شما حق  
 نمیت دارید ، اگر شما امروز جزا ایان دارید ، همین نام مرا عیناً در مجله تان چاپ کنید ، و مقابلاً هر پاسخی دارید بنویسید و با هر هدت و شدت  
 که میخواهید بمن و فکر من بنمایید ، تا خوانندگان و صاحب نظران خود قضاوت کنند ، ولی هیما ت ! قرآن مکرر و صریح بر مخالف خود را میزند :  
 حمانه اوجه انکم ان کنتم صادقیین ! ولی شیعه کجا و دلیل کجا ؟ ! مذهب منافقان و سیریان و سیمیان و جلالان و مغتریان کجا و قرآن کجا ؟ !  
 چون حقایق قرآن با اغراض و مطامع منافعی باری گروهی با اصطلاح روحانی که توافق و تطابق ندارد ! ومن الناس من یشتری لهوا الحدیث لیضل  
 عن سبیل الله بنیر علم و یخذها هذوا اولئک لهم عذاب مهین ، و اذا اتلی علیه آیاتنا ولی مستکبرا کان لم یسمعها کانت فی اذنیه و قرا فی نبضه  
 یجذاب الیه - روحانیتی که یکی از بسیار بسیار کجوترین نشانه های ضد اسلامی آن متروک نمودن و مسوخ نمودن نماز جمع این فریضه مهم اسلامی  
 و سنت نبوی است ان الذین یتکبرون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیننا للناس فی الکتاب ، اولئک یلعنهم الله و یلعنهم الالاهون - ان الذین  
 یتکبرون ما انزل الله من الکتاب یشترکون به شفا لیللاً ، اولئک ما یا کلون فی بطونهم الا النار و لا یکلتم الله یم القیة و لا یرکبهم ولم یعذب الیه ، اولئک الذین  
 اشتروا الضلالة بالهدی والعذاب بالمعصية ، فما اصرهم علی النار ؟ ذلک بان الله نزل الکتاب بالحق ، وان الذین اقلنا فی الکتاب لفی شقاق بئید -  
 الا الذین تابوا و اصلحوا و بنوا فان اولئک اقرب علیهم و اننا لتواب الرحیم ( البقره )

انقلاب ایران تحت رهبری آخیناب و با الهام از قرآن و اسلام و تکامل و استعانت از خالق عالمیان آغاز گشت و شکل گرفت و ادامه یافت ،  
 انقلابی که بود اسماً و رسماً و عملاً اسلامی و قرآنی ، انقلابی بود که پس از چهار قرن ندای دروغین یا حسین یا حسین سرار آن گروهی حسین چی  
 تلذذی پیرویزید ، برای اولین بار سحقی و بصیرت و محضرم واقعی از قیام حسین الهام گرفت و پیش رفت و علیاً از ابرئحیم و ادرت ، و به طرد  
 آن ستم ستمین و اسفل سانیین ، نظمه همیشه صد بار کثیف تر از زید تصدق بن الملل منجر شد ، و گو که فعلاً جان بدر برد ولی حق اگر  
 بزرگی ستم بزرگ سلفش ببرد ، این زندگی باقی او مرگی است تدریجی بمراتب سخت تر از قتل و اعدام ، و بی شک موفقیت انقلاب مروهون  
 نایب و نصرت حضرت باری تعالی عزوجل بوده است و پس بل الله مولیکم و هو فیرا الناصرین ، سنلقتی فی قلب الذین کفروا الرعب بما اشتکروا بالله  
 سالم یتزل به سلطاناً و ما دیم النار و بنس مشری الظالمین ، انقلاب بی نظیر که بین جهاد ملیار نفوس حاضر فردی بیقرانت امکان آزا از خیمه  
 خود حضور دهد .

با خیال بی کفران و نامبایستی و تک سحرایی و قدر شناسی سبدا و کتاب خدا و رسول خدا و علی بنده صالح خدا خواهد بود که غافلان و بخیبران و سادان  
 در حال و خراب زنگانی گمان کنند که این انقلاب انقلابی بود شیعی و ذمه مذهب تشیع و موفقیت آن با اصطلاح سخت تر جهات حضرت ولی عصر !!  
 شیعه ای که همواره شعار او در شایه و هرانج و مصائب یا علی بود یا حسین مظلوم است که با حضرت عباس با الهام زمان ، و توسل به قبر و  
 فریج و پیرو ستاخانه و فال و طلم و استخاره و فرماندن و دعای توسل و ذمه و حدیث کسا و خود را با امامی مذهب گول دادن و بلا فره انتظار کشیدن  
 و محفل تجلی گفتن است !

شیعه ای که خود را حقیقت مظلومیت خود را دست و پا میکند ، در عین حال حسین مظلوم دوست است و همه رضا چهلوی نظام پرست ! ( ومن سیکرم الکرهین  
 مظلوم است آی بر پیر و رو غلو گفت ! )

شیعه ای که برای هر قطره گریه به عین تواب صد شمشید را نقداً دریا ت میدارد و تمامی گناهانش را از آن تک می بخشد و بهشت بر او واجب میشود  
 و با خیال کدام احق است با رکنه که چنین شیعیای برای ایزدیک شمشید بزرگ تا نگردد ؟ !  
 شیعه ای که عادت کرده از آنان در سینه و پنجاه روز ساله عبارت است از : شرا سحراری تمام بازی عباسی زنا را ادا فرقی خود نموشد منکر کفر و فرشی  
 اگر انفرشی غل و غش دروغ زدگی تعلب غیانت جنایت میبانت مشاورد سبحان و ملل و نامرین گوید بگر خود خواهی خود پرستی سوره جوی کلای طاعی

پیشوایان و اخلاص انان امرال عمومی مردم آزادی فحش تمت برین بدخواهی بدگمانی بی اعتمادی سخیل عهد کینه دوزی و انواع اغفالات مذهبی مسکن  
 ملکی اقتصادی اجتماعی فرهنگی و با نافر هرکار و هران در دستیار و نگاه ناس جابر عمد رضا بودن ، و اهیانا در بقیه ده روز سال در محرم سیاه پوش  
 شدن و زنجیر و سینه و تمه و طبل زدن و بیهوشی و کوبیدن و خسیان ۳ فریکای مرکزی را به غیبط و ادانتین امت !  
 و بالاخص شیعه ایکه در تور کلی مذهبی او چنین است :

« در امام چنان : مردم تک غیبت که فقط در نزد مردم تمام زمان ها بترند زیرا خدا عقل و فهمی آزادانه که قیبت نزد آنها تک شاهه دارد - از حضرت «  
 « امیر : کیکه فقط امر ثابت همچون شیمی است که در راه خدا در فزون خود غلطید باشد - از امام چنان : هر کس در غیبت قائم بر دوستی ثابت ماند ،  
 « خداوند ثواب هزار شمشید بهر فاهد بری عطا فراید - از امام صادق : زبانهای خود را نگه دارید و از فحش های خود بیرون نیاید و همچون کلیم «  
 « فحش های خود را بشید زیرا دولت حق را این نوری بشما نیرسد - مجلسی گوید : نگان کنید بشیرت اند و دستر یک بار داده اند و کسی که فحش «  
 « داشته اند که چگونه در پیش آمد ها صبر میکنند و خود را از فحش ها ( در سخنانی به پیش از آنک و سلسل زلفن ها - ن ) حفظ مینورند و منتظر فرج «  
 « بودند و میگفتند شتاب کننده گان هلاک میشوند و گراد میگردند ، عیب بنیاد خطراتیکه تسلیم عوارث و گوش بفرمان ائمه هستند و منتظر فرج آل «  
 « دوسم پیشاند و بر بار ثابت بمانند ( عیناً مانند شیعیان مجلسی - ن ) تمجید نموده و فرموده اند : آنها را ستایند و مانند سنگری بر شاهان کرده های «  
 « خود پایدارند . پس ای خوانندگان ششاهم از آنها پیروی کنید و تسلیم فرمان آنها شوید و از شیعه آنها قدم بیرون نرید - از امام ششم : «  
 « فرج بحال منتظران که خدا آنها را مشمول رحمت خود گردانیده است - از امام پنجم : شتاب از شتاب دوری جسته و در فحش های خود با طیب خاطر آسوده آید «  
 « از امام ششم : هر چه پیش از قائم برافزاید شود صاحب آن پرچم نبی است و غیر خدا را اطاعت کرده آید ( جناب مجلسی : حتی پرچم امام خمینی؟! ) «  
 « - ن - ) مجلسی گوید : ... در حدیث لوح فاطمه چنین نقل شده : ... در زمان من روزی نسیب او خوار میگردد و سرهای آنها مانند سرهای «  
 « در ترک و در پل بارغان میریزد ، آنها بقتل میرسند و سرفته میشوند و بیناک و مرعوب و هر اسان میباشند و زمین از فزون آنها لگن میشود و صدای آنها «  
 « در آه و ناله بلند میگردد آنها در میان عشیقی من هستند از پیغمبر : خدا گم گشتگان را وارد بهشت میکند و آنها شیعیان نسیب هستند شکایتی ندارند «  
 « در باره و تسلیم فراموشی هستند و منتظر آمدن امام ، تمام فرایض را انجام میدهند و صبر میکنند و نظر بر رحمت حق دارند و عیب امام ضرری ببقیه آنها «  
 « نمیرساند و اعمالشان پذیرفته است آنها از اصحاب قائم بهترند زیرا عبادت خود را در حالت تقیه انجام میدهند ، انتظار فرج با صبر و بردباری بجای «  
 « است - از علی : در جای خود قرار گیرید و بلائیکه واقع میشود صبر کنید و با است شمشیر در زبان خود هر کس تکفیر در باره چیزیکه حد شتاب «  
 « در آنرا برای شما سخناسته است جمله نکتیه ... » - فاضل و ایادلی الابصار و الالباب !

آیا چنین شیعیای حاضر خواهد بود از امام خمینی نخواهد : دعاکن من هم شمشید بشوم ؟؟؟ آیا حاضر خواهد بود بفرمان امام خمین باشت بتانگ  
 و سلسل پیش برود ؟؟؟ مالکم کیف تحکمون ؟!

اگر بنا بر نظر سن تأیید و توفیق الهی در این انقلاب ، استجاب استمداد از تمام حضرت تعالی و گروهی همکاران و پیروان با ایمان و مخلصان و و سپسندای  
 ماران و پدران داندید و و انتقام شمشید ان و ستم بر گمانی بود که علیه جود و فساد مترکم صیانه از زبان خود که شتند فرمودم باذن الله ... و لولا  
 دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض و لکن الله ذو فضل علی العالمین - ان الله یدافع عن الذین احبوا ان الله لا یحب کل کفران کفور - انهم زنجار  
 مذهب تشیع و پیروان کذائش ، بلکه برای کوبیدن دستگاه جبار فروری بود که عصیان و طغیان خیانت و خضابت بیشتر می و وقاحت بی و جبارانی  
 و نامری ستکاری و خوشناری تکبر و تفرعن اسبج اعلام رسانده ، و روزی انانیکم الاعلی دست فرعون مصر را از پشت بسته بود و قتال الذین کفروا  
 لرسلم لئلا یذنبکم من ارضنا و لنعوذ فی ملتنا ! ناعوذ الیهم بتم لهنالک الظالمین ! و لکنکم الارض من بعدهم و لکن لکن خاف مقامی  
 و خاف رعید ، و استغفروا و خاب کل جبار عنید ! من درانه جهنم و یسقی من ماء صدید ...

و حق شرکت گروهی از مردم در انقلاب ام از متدین غیر متدین ، اصلاً علیه دستگاه حاکم و جنایتی آن بود و ناشی از اعتقاد دینی با سخا طردین ، و الا  
 نصرت آسمانی برای قریکه خانانان خدا یان ( آل الله - هسیت بره الوهیت ) را به بازردن ترقی داده ، و در هیچ دنیا و آخرت خود را با قزو  
 فرج و کینه در میان سگینارند ( تا آنجا که تازه ناز و ها آرزو دارند اسکناسهای خود را با عکس قهر و کینه تر بین کنند ! ) و نظارت و هاسرسی  
 اعمال و تقیم بهشت و جهنم را در صلاحیت اصوات غیر اهیاء و مایشعون ایان بجشون میدانند ، و مشمول آتم و اکمل ظهور النساد فی البر  
 البحر بما کسبت ایدی الناس لیدقیهم بعض الذی عملوا لئلا یرجعون بهشته ، هرگز در سنت الهی سابقه نداشته است .

حتی صریحاً باید گفت که اگر این ملت قرنها زیر بارستم در استبداد و فساد و ذلت و اسارت و بندگی و ترسری غریز و فتنه و بدین جهت بوده که  
 صوفی پرست و شیعه امام ذاب امام پرست بوده ، و تعلق و خضوع و زبونی و برابر هر قدرت طلبی که با برتری و تسلط داشته بصورت فطرت ثابوی  
 او در آمده ، و چنین تربیت مذهبی و فرهنگی با الطبع روح و ذهنش را با با و چا بلوسی و دروغ و نیزنگ و نفاق و برهاند و هفت رنگ و تسلیم خوارت بودن و  
 دلیل تردنندگان و بزرگان بودن همین کرده است ، و چنین قومی سخنان آزارگی ندارد ، و برابر ظلم و ظالم قیام کند و آماده با نایابی باشد ، بلکه همواره  
 آماده است صدمه خانی باری ها با ریاست و فرمانروائی کنند ، قومی که هر فرد آن نسبت با مکان و تهرانش نظام و ناسد و تجاوز است ، لطفاً و  
 قهرماً حاکم ظالم و ناسد و تجاوز خواهد داشت ، و این اجتناب ناپذیر است و کذک نوتی سنی الظالمین بعضاً با کاذب است

ولذا : اکنون پس از سرکوبی دستگاه سخاکی و جباری طاغوتی ، این ملت در صورتی به راستگاری و سعادت ریزی و افزوی خواهد رسید که صمیمانه پیام اسلام  
 و پیام اسلامی بر سر انقلاب را بیاورد ، و دعوت و استقامت در عقیده و عمل خدا بپاورد کند ، و در راه و روش ذهنی و عقیدتی و عملی خود تجدید نظر ، و با خلوص نیت و  
 تعظیم بشا هراه اسلام واقعی برگردد ، در طریق انسانیت و اخلاق کیم سر بلندی و روحیگی گام نهد ، و از نرایی ماری و جوری اسلام ببرد گردد ، و الا  
 یقین کند که اگر در سطح فکر و طرز عمل گذشته خود درجا بنزد ، آثار انقلاب بند پیچ از پیچ برفته و زخاخش در دنیا و آخرت جسط و هدر ، و در برابر خود کوشه بانی  
 مضر را در انتظارش خواهد بود ، ثم بعدنا لکم الکره علیهم و آمد دناکم با مرال و بنین و جعلناکم الکفرنیعاً ، ان احسنتم احسنتم لانفسکم و ان اسالتم  
 فلها ، فاذا جاء وعد الاخرة لیسوفوا و جهنم و لیدخلوا المسجد کما دخلوه اذل موة و لیقتوا ما علوا استیبراً ، عسی یکن ان یرحمکم ، و ان عدتم  
 عدنا ، ای جعلنا جهنم لکم ازین حصیراً ، چون این مذهب کذائی بود که فیان خود کاسرای تربیت کرده بود ( چنانکه مستطیحه و تحقیق استیبراً )  
 مردم و مذهبش و مذهب دارالش را با سخا برساند که می شد : امام غیاب بین زمین و آسمان مرا گرفت و حضرت عباس کرمه ام کرد ( با ) و اراده  
 روش قبل بیدک تالی او را بجهان غنچه آورد ذک بات الله لم یک مغترباً نعمه انعمها علی قوم حتی یقتوا ما ما بانفسهم و ان الله سمیع علم و حقیقی  
 برحق هیچ فرد قومیستم و در اندازد ذک بما قفعت ایدیکم و ان الله لیس بظالم للعبید - فما کان الله لیظلمهم و لکن کانوا انفسهم یظلمون .

و از اینست که : اساسی ترین و حیاتی ترین انقلاب شما ، و صمیمترین و واجبی ترین و لطیفترین و انسانی شما ، و ضروری ترین اصلاح و تصفیه شما  
 و هفکران با ایمان و اساس سئولیت کننده شما در قبال خدا و خلق خدا هستند باقی است ، که باید و باید بیدنگ و با ناطحیت و جدیت ، شجاعت  
 و شصامت تمام ، و با اتکا و بسجول و قوه الهی ، و استظهار تباثید و توفیق بانی ، و کمک مؤمنان عالم صالح صغی بان اقدام فرمائید ؛  
 انقلاب سخت برای سجات نیای شان از قید استبداد وستم و چابول و فساد و استثمار و استثمار ، و طرد عاقلین داخلی و خارجی آن ، و سپس مسانندگی آن  
 طبق مصالح محرم و منافع طبقات محروم ( مستضعفین سابق و وارثین لاحق )

انقلاب دوم برای سجات بین شان و اسلام و قرآن شان از کج و کج اندیشیها بدعت ها تحریف ها فرامات و موهبات ، و تبلیغ و تفریم  
 اسلام واقعی و احکام واقعی و اجرای آنها و ابطال بدعتها ، و همچنین اصلاح و تصفیه روحانیت و ابسته از هر کس هر کس ها و کانداریها و نیز و شیها  
 ضلال و اضلالها و ذلال و ذلالها عوام فریبیها ، و پاکسازی آن از افرا کثیری اشکان خود مرین دانشی های آبادانی و حسن شکوهی های تبریزی ، و پی برزی  
 تکلیفاتی نه بر اساس صحیح اسلامی و تاسیس دانشگاه مجتهد و جانی و همگانی اسلامی ، و تدریس بر زبانهای علمی و تعلیم تدریس همه جانبه ، و ایجاد  
 بیت المال و اهد طبق کتب علی ، و سپردن بین و دیندار بدستهای لایق علمای ربانی و دانشمندان و نویسندگان آگاه و سخی ، و قطع هرگز ارتباط طاری  
 شخصی روحانیان با مردم ، و حذف قطعی عنادین ( مذهب - شیخ - تصرف ) از برنامه دین و دینداری ، و اعلام هجرت کلی واقعی با جماع علمی جهانی  
 و وحدت و اعرت اسلامی با ناطح مسلمین . . . .

انقلاب دوم نه سخنی بدینی است که من گفته باشم و شما از آن بی اطلاع باشید ، این حکم خدا است این تکرار و تکرار کار امر خدا و فرمان قطعی خدا  
 است ، این فرمان رسول خدا است ، این حکم علی است ، این حکم قرآن است ، قرآن ذکر است و این نام ذکر و یاد آوری است .  
 حکم خدا بر چنینی این دروغگویان مدعی شیعه علی ذکعبان مذهب در زمین را ، و حکم قرآن ماهیت آنرا آشکار و رسوا کنید ، علی یک  
 مسلمان مطیع خدا و رسول بند ، همه صحیح اولین مسلمان مطیع خدا و قرآن بود ، و هرگز نفرمودند خلافت را بر اهن عثمان کنند و قرنها دعوی  
 علی و عمر راه بنیدارید و بر همه گیر بگردید ، این ملت را از خواب چند قومی بیدار و از کلاه که سرشان زفته آگاه کنید ، و طلبت واقعی علی  
 را که همان کتب قرآن است ، آنان تعلیم و تعلیم کنید ، هر کس نپذیرفت طرد کنید محو و نابود کنید و حکم خوارج را رد و حق او اجرا کنید .  
 فقط از خدا ترسید نه از مشتی و ستار بند ها هله مفتخوار را و صفت ضال مصل که چون نارغندگت شما را احاطه کرده اند و غیر از شکم کشیف



شان هیچ معنی و مفهومی نمی نمایند . و منزه از قشریون جاهل خرافی کالالعام متعصب . ایدم بیس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوا و انشوا  
 الناس و انشوا و لا تشعروا باياتنا ثننا ذلילה ، و من لم یحکم بما انزل الله ناولک هم الکافرون .  
 ایشان چند قرن است دانسته و ندانسته سزای این خدا و هدایت مرشد ، و قلباً بریز جزایران بدارند الذین یصدون عن سبیل الله و یخونوا عیالاً و هم  
 بالافرة کافرون . الذین یستحبون الحیوة الدنیاء علی الآخرة و یصدون عن سبیل الله و یخونوا عیالاً اولئک فی ضلال بعید . یا بایه هرایت شون و قد  
 کنند و یا بشه شانه از سر مردم کزناه کنند و لوبزور . صفیه محارب با خدا رسول بود انما جزای الذین یحاربون الله ورسوله و یسیون فی الارض  
 فساداً ان یقتلوا و یصلبوا و یقطع یدیم و ارجلهم من خلاف امریند ان الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الآخرة عذاب عظیم کما اسلام را بقیت خون صبر و هراش  
 در این سرزین قلب باهیت کر ، ولی شما جاهل در سبیل الله هستی و تکفید آثار شرک و ارتداد و انحراف و ارتجاع حاصلت بر ابر قیمت کز این فطرت  
 کن کنید و این را جایگزین مذهب کنید و قاتلو هم حتی لا تكون فتنه و یکون الذین لله ، فان انتم فلا عدوان الا علی الظالمین . یا ایها النبی جاهد  
 الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم و ما یتیم عنهم و بیس المصیبر .

این مذهب توترین تکیه گاه صهیونیم و امیر یاسیم و بزرگترین پایه امید آنان در راه تسلط باسلام و ایران است ، یا اصلاح آن نفع اسلام واقعی  
 تکیه گاه دشمنان و ریشه فساد آنانرا محو ، و امید شایان برای هدایت قطع ، و این کله تنگ را کز دامن اسلام پاک کنید .  
 اسلام و شیخ رشتن آشتی ناپذیر یکدیگرند ، و غیر از تشابه اصطلاحات هیچگونه تعاقب و تطابق حقیقی و مخفی بنی اید و نیست ، و وصله بندها و ترسیمهای  
 صحت فزینی منظر رفق جمله و ادن آن در پیشگاه قرآن و اسلام و شریزی ارزش و سندیت ندارد ، و هدایت از این مذهب بمنزله حملت از مذهب اهل  
 کتاب است ، و در کتب علی طرد این مذهب از عزل معاصیه احم و الزم و اعجل است ، و لحظای دزدک بدان جایز نیست . هیچ مصلحتی حاصلت تر آن نه .  
 امرض باوردان صفیه و قاجار خیلی فرق بود ، برای نسل جوان امروز و فردا این مذهب هرگز قابل هضم و پذیرش نیست ، غیر از بیدین پروردگار و اداری  
 پروری ، و کجیل داشتن قیام نمیده و تحصیل کرده به بیدینی و غریبزدگی ، مگر اینکه قرآن و اسلام با آن عرضه شود ، و هیچ نوع اغراض و غرض و تعلق و  
 صافه کاری و امرض و فردا و یا پیش کشیدن بعضی مشکل های یا مصلحت های فرضی در این امر هم در این بهترین و مناسب ترین فرصت جایز نیست .  
 بقیامت آن سر بر سر بر چند من فیلی کم ماند است ، و این پا و آوری برای محکم خدا و سوال و استخفاف و خیال روزیست فکرت باقرآن من فی ان و عید .

بنام خالق واحد قادر قهار جبار عظیم حکم زوال عز و الجلال ، و بنام کلام مقدس المحی قرآن مجید ، و بنام پیا بر فقام بشا سر هر صالح  
 صادق لایق عالم عارف عادل ( که کز مردم باین صفات مورد تأیید الهی و تصدیق قرآن باشد ) برای پر خدا شدن نخستین قدم در راه  
 انقلاب دوم دینی اعلان و اعلام و ابلاغ ، مکرر و مکرر عرض میدارم :  
 سناطر هدایت شیعیان ایران و جهان باسلام واقعی و دین آسمانی و سعادت دنیا و آخرت آنان ، و سناطر اسباب و حکم براری براری و یکپارگی بین مسلمانان  
 جهان ، و دفع تمامی اذیتها و سر و تفاهاست فیما بین و بیانات اتحاد و اتفاق و صورت پرشخصه طوبی مسلمان و کز آمدن زهر پرچم واحد قرآن و یکپارگی  
 و اعتقاد بجهلی الله جمیعاً و لا فخره . و من یحکم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم . تعادنا علی البر و التقوی و لا تعادنا علی الاثم و العذبان . و الذین یستکون  
 بالکتاب و اما امر الصلوة انا لا نضع ابر المسلمین . و اعتصموا بالله هر مدلیکم فنعم المرسلی و نعم النصیر . انما المؤمنون اخوة فاصلوا بین افریکم . سناطر حصول  
 قدرت و عزت و شکر و تقوی و استعمال جمیع اسدی ، و سناطر طر و نفوذ و آثار صهیونیم و امیر یاسیم و استعمار جهانی و تصرف بین الملل ، مقرر فرمایید ماده  
 اول فایده اساسی جدید ایران بین شرح تنظیم و تصویب شود . و دین رسمی ملت ایران اسلام است ، به پیروی از کتاب مقدس آسمانی قرآن مجید

این نامه سخی من نیست ، ترجمان قرآن و فرمان قرآن است . من رفودشت آنرا در اختیار هیچ نشری یا فرد دیگری نگذاشتم ، ولی بنا بقول و وعده ایکه  
 کرازا و مرتباً و مستقماً در مورد آزادی بیان و عقیده و اندیشه و قلم حتی برای مخالفین داده اید ، بدون تردید امر فرامید فرمود متن نامه عیناً در مطبوعات  
 چاپ و نشر شود و الذین هم لا مانا ناتم و عهدهم را عون . و اذوا بالعهد ان العهد کان سنو لا . تا بیدار باشی باشه بزین جورگان و نگهبانان مذهب ،  
 و امیدیه بر برابران مسلمان ، و هشداریه بر تنظیم کنندگان و تصویب کنندگان تا من اس می . و کتمان این نامه بمنزله کتمان قرآن و مخالفت با امارت الهی  
 و افهام قرآن و سوزنات پیا بر فقام رعی علیه السلام است . اگر ابراز و اظهار عقیده آزاد است و شما در قول و عهد خود استوار ، این نامه باید ابلاغ همگان  
 رسد ، و من هم در رسا و هم رقیس مسئول آن نخواهم بود . و شما هم برای دنیا و آخرت خودتان و هم ملتتان و هم دینتان را قرار گرفته اید . و ما علی الا  
 البلاغ المذنب ، والله علی ما اکتب و کلیل .  
 - سبلة انقلاب دوم باز با آن رهبران و سروران عظیم سخی خواهم گفت .  
 و اسلام علیکم و علی من اتبع الذین و رحمة الله و بركاته  
 تبریز - بازار شتران (مهر تفتی منظمی)